

حقیقت

شماره ۴۸۵ ۱۴ آذر ۱۳۵۸

متحد و مسلح نیرو با آمریکا!

مقابله با تهاجم نظامی آمریکادریگرو اتحاد و قدرت مسلحانه بوده است. متحد و مسلح شوید

آقای بزرگان از چه میسوزد

میگویند بورژوا لیبرالها از تغییرات بنیادین در جامعه که انقلاب بیشتر از هر چیز دیگر هراسناکند. و در عین حال کوشش وافر می کنند تا بر حرکت توده ای و انقلابی توده ملت سوار شده و از آن برای مطامع خود بهره بگیرند. بورژوا لیبرالها در عین آنکه با رتجاج و امپریالیسم در تضادند، با لایحه کارگزاران و حاکمان نیز تضاد عمیق دارند و دلشان نمیخواهد که حرکت اقشار تحتانی جامعه همه جا نبیهد و کارها نه گردد چون میدانند که در این صورت با لایحه آتش خشم آنها در خود بورژوا لیبرالها را نیز خواهد گرفت. میترسند که خود نیز قربانی انقلاب حاکمان گردند. بورژوا لیبرالها در عین آنکه با ارتجاج و امپریالیسم در تضادند، با آنها بده های مشترکی نیز دارند و بنا بر این در مبارزه با آنها تا آنجا پیش میروند که بتوانند حق آب و خاکی برای خود کسب کنند. عین و بس! بورژوا لیبرالها، دموی براسی و استقلال را محدود و محصور در رخ از جنبه های روبنایی میکنند و

از تغییرات بنیادین در جامعه که انقلاب بیشتر از هر چیز دیگر هراسناکند. و در عین حال کوشش وافر می کنند تا بر حرکت توده ای و انقلابی توده ملت سوار شده و از آن برای مطامع خود بهره بگیرند. بورژوا لیبرالها در عین آنکه با رتجاج و امپریالیسم در تضادند، با لایحه کارگزاران و حاکمان نیز تضاد عمیق دارند و دلشان نمیخواهد که حرکت اقشار تحتانی جامعه همه جا نبیهد و کارها نه گردد چون میدانند که در این صورت با لایحه آتش خشم آنها در خود بورژوا لیبرالها را نیز خواهد گرفت. میترسند که خود نیز قربانی انقلاب حاکمان گردند. بورژوا لیبرالها در عین آنکه با ارتجاج و امپریالیسم در تضادند، با آنها بده های مشترکی نیز دارند و بنا بر این در مبارزه با آنها تا آنجا پیش میروند که بتوانند حق آب و خاکی برای خود کسب کنند. عین و بس! بورژوا لیبرالها، دموی براسی و استقلال را محدود و محصور در رخ از جنبه های روبنایی میکنند و

گرامی باد خاطره ۱۶ آذر

۱۶ آذر، روز دانشجو، فرا میرسد و به همراه خود یاد بیش از ۲۵ سال مبارزه نهضت دانشجویی ایران را زنده میکند. ما با درود به همه دانشجویان قهرمان ایران خاطره آیین روز تاریخی را گرامی داشتیم. از شهیدان فراوان این نهضت یاد میکنیم و در برابر راه تزلزل ناپذیر و مبارزه زره قهرمانان این شهیدان سر تعظیم فرود میاوریم. این شهیدان با خون خود نهال آزادی و استقلال ایران را آبیاری کردند و در سیاه تین سالهای سلطه رژیم ترور و خفقان محمد رضا شاهي مشعل آزادیخواهی و مبارزه را شعله و رنگه داشتند.

۱۶ آذر اما سال در شرایط سز نگونی دربار پهلوی و پیروزی های بدست آمده از مبارزات دموکراتیک و فدا امپریالیستی فرا میرسد و چون همیشه وظایف سنگینی را به دوش نهضت دانشجویی ایران قرار میدهد. ۱۶ آذر اما سال در شرایط اوج گیری جنبش فدا امپریالیستی، که در آن دانشجویان چون بسیاری موارد دیگر

نقش پیشرو را ایفا کرده اند. فدا امپریالیستی را به سر دوش نهضت دانشجویی ایران قرار میدهند. ۱۶ آذر در شرایطی فرا میرسد که ملت ما یکی از دویزگترین قدرتهاي امپریالیستی جهان و ارباب مستقیم رژیم منحوس پهلوی را به مصاف ف طلبیده و آماده است تا برای دفاع از آرمان های مقدس، ویتنام دیگری را بوجود آورد.

پیشرو بودن در مبارزات دموکراتیک و فدا امپریالیستی مردم همواره یکی از سنت های پراچ جنبش دانشجویی ما بوده و امروز نیز باید این سنت را ادامه داد و در این مبارزه بزرگ به شایسته ترین وجه شرکت جست. ۱۶ آذر اما سال، باید ۱۶ آذری باشد در خدمت این مبارزه بزرگ و بجاست که دانشجویان آگاه و مبارز در گسترش و تعمیق این مبارزه بکوشند.

امپریالیسم آمریکا بیازاری خطرناکی را با انقلاب ما و ملت ما آغاز کرده و کاخ سفید به مرکز توطئه چینی بر علیه انقلاب ایران تبدیل شده است. امپریالیسم آمریکا از قدرت مردم ما بوحشت افتاده و تمام ابزارهای دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی و بالآخره نظامی اش را بر علیه خواسته های به حق مردم ما به کار گرفته و میگیرد و در این کارزار کثیف متحدین بین المللیش را نیز بخدمت گرفته است. آنچه اینک در میهن ما میگذرد، بعدا بی به مراتب گسترده تر از مبارزه برای استرداد شاه خاقتن به خود گرفته و هر روز نیز بر ابعادش افزوده میشود. ابعاد مبارزه کنونی حتی به مراتب گسترده تر از قطع رابطه بقیه در صفحه ۲

سخنی دیگر با انحراف جویان

چپ

مجله فکا هی "فانوس" در شماره ۱۱ خود کاریکا توری داشت که از جنبه طنز آمیزش که بگذریم وصف الحال بسیاری از گروه ها و محافل جنبش کمونیستی ماست. این کاریکا تصور جوان کتاب بدستی را نشان میدهد که با خواندن خبر اشغال جاسوسخانه در شومده!

آمریکا توسط "دانشجویان پیرو خط امام" در روزنا مه شدیداً تعجب کرده و مات و مبهوت مانده است. یکنفر می پرسد "چرا از خبر اشغال سفارت آمریکا تعجب کرده؟" و دیگری پاسخ میدهد "آخه با تحلیل های علمیش جور در شومده!"

بقیه در صفحه ۹

بقیه در صفحه ۲

آقای بازرگان

وحشت دارند. بیک کلام بورژوا لیبرالها چه در زمینه محتوی و مضمون دموکراسی و چه در زمینه شیوه کسب دموکراسی از زحمتکشان و دموکراتیکم پیگیری و انقلابی کاملاً جدا میباشند. آقای بازرگان نمونه و چکیده خط بورژوا لیبرالی است و در نطق هایسی که در طی دو هفته گذشته در حسینیه ارشاد کرده، "مادقانه" دست خود را روی کرده است. بگذارید نگاه ای اجمالی به سخنان آقای بازرگان ببیند ازیم و ببینیم که در اوضاع و احوال مشخص کنونی ایران این خط بورژوا لیبرالی چگونه خود را متظاهر میکند.

۱- آقای بازرگان از گسترش انقلاب می هراسد و در برابر ارتجاع عوامی می یالیم گمراهی میکند:

آقای بازرگان میگوید: "... شمارهای تازه ای رود روی دولت قرار گرفت و از جمله میگفتند ارتش امیرالیستی و پلیس با یسد متلاشی گرد و گرنه کودتا خواهند کرد. خود ما با یدار ارتش مردمی درست کنیم. استادان را با یدار خراچ کنیم. کارگران گفتند با یدکمیته های اعتماد مدیریت واحدها را بعهده بگیرد. یکدفعه هیوا حجاب شده ای برپا شد. مالک زمین را بیرون می گردند. خصومت با کارمندان خوب و دلسوز دولت به نام ما کمزری آفساز شد... در ارتش همان فرمان و درجه داران و سرپازان خواهان محو توقیف درجه و حقوق و مزایا و فرماندهی آن شده بودند... خلاصه انتقام جای انقلاب را گرفت و تنب و انتقام جان همه را گرفت..." (اطلاعات ۲۶ آبان ۱۳۵۸)

عجب خواسته های آناشیتستی و هر چه مورچ طلبانه ای (!!) : ارتش مردمی، کوتاه کردن دست مالکین بزرگ از سرده قانان، پاکسازی ادارات از عوامل ارتجاع عوامی میریسا لیسوم... از دید آقای بازرگان، این بورژوا لیبرال دوا تشه همه خواه سته ها آنا رشیتستی و غیر قابل حصول است. مگر میشود به مالکیت خصوصی " مقدس " مالکین بزرگ و بسوزوزوا گمبیرا دورها دست زد؟ آخر بعد ممکن

است پای خود بسوزوزوا لیبرالها هم وسط کشیده شود. آخر مگر میشود ارتش را از پایه و اساس تغییر داد و ارتشی مردمی که بر توده های مسلح زحمتکشان تکیه دارد بنا نهاد؟ آنوقت این ارتش مردمی و این توده مسلح که دیگر منافع ما - بورژوا لیبرالها - را پاسداری و حراست نخواهد کرد. ما - بورژوا لیبرالها - که از برکت انقلاب مردم قدرت را به کف آورده ایم برای حفظ قدرت احتیاج به نیروی قهریه داریم، و این نیروی قهریه حاضر و آماده در وجود ارتش شاهنشاهی و دست پرورده آمریکا موجود است؛ فقط کافی است که "اسلام" بیآورد و حتی در ظاهرم که شده علامت همبستگی با انقلاب بکنند. همه این حرفهای را هم که کمونیستها و انقلابیون می گویند که این ارتش "کودتا خواهد کرد" حرف مفت است. بورژوا لیبرالها بیچاره ما آنقدر از انقلاب هراسنا کنند که حتی از تاریخ نیز نمی توانند درس بگیرند. صدق و آلسنده

هم همین تصورات را داشتند، و بسوی هودگی و پوچی تصورات و توهمات چه سنگین برداخته شد. در دایم نیست که این بورژوا لیبرالها بوسیلله همین ارتشهای امیرالیستی سرنگون میشوند، در دایم است که تا وان این سازشکاری و خیانت پیشگویی را همیشه زحمتکشان و انقلاب بیشتر از هر کس و هر طبقه دیگری برداخته است. آقای بازرگان با تعجب و گفتنی میگوید "کارگران گفتند با یدکمیته های اعتماد مدیریت واحدها را بعهده بگیرد... مالک زمین را بیرون میگردند... آقای بازرگان جهان نظاری داشتید؟ همین گمبیشه های اعتماد بودند که مبارزان را برای سرنگونی شاه مخلوع به پیش بردند، اینها بودند که بیشتر از همه در این راه خون دادند و مبارزه کردند، اینکارها را نکردند که شما را مثال شما بیاندو دستا وردهای خونین این مبارزات را به حساب خود بریزند و آنها را پیمان کنند. دهقانان به انقلاب پیوستند برای آنکه ستمزاران ساله فتو دالی را از ریشه و بن برکنند و خود را کم بر سر نوشت خود بشوند، انقلاب نکردند که شما را مثال شما بیاندو سرکار رود لسان هم خوشتر باشد که شاه رفت! این خواسته های آقای بازرگان با شگفتی و غیسخ طبقاتی از آنها یاد میکند، خواسته های اساسی زحمتکشان در انقلاب دموکراتیک و ضد امیرالیستی است و زحمتکشان انقلاب کردند که انتقام

کشور ما با امیرالیسم آمریکا و مصادره بگیرند، و چرا این بورژوا لیبرالها اینقدر از انتقام گرفتن میترسند، آنها میخواهند از مرتجعین وابسته ای که سالیان در از خون آنها را در شیشم کردند انتقام بگیرند، این کجایش بد است؟ شاید آقای بازرگان خیلی " رشوف " باشند ولی زحمتکشان ما نیستند. آقای بازرگان " رشوف " هستند ولی نسبت به ارتجاع و امیرالیسم، اما در مقابل طبقه کارگر و نیروهای انقلابی هیچگونه رأفتی از خود نشان نمیدهند و این طبیعی است، چون ایشان یک بورژوا لیبرال دوا تشه هستند.

خواسته های بالا، بخشی از خواسته های اساسی انقلاب دموکراتیک و ضد امیرالیستی مردم ایران است. با فشاری زحمتکشان و اقشار و طبقات مترقی بر آنها به منزلت خواه است بحق آنها برای تعمیق

و گسترش انقلاب است و این همان چیزی است که آقای بازرگان از آن میترسد و "مادقانه" بارها بر آن تاکید کرده است. بورژوا لیبرالها، و نماسا... ینده، شان آقای بازرگان، از همان قبل از قیام بهمین از "تند رویها"ی توده مردم سخت وحشت داشتند. آقای بازرگان خود با رها گفته و در سخنرانی حسینیه ارشاد دهم تا کید کرده است که من " معتقد به پیشرفت بصورت سنگر به سنگر بوده وهستم... آقای بازرگان یک ترقلابی و تسلیم طلبانه داشت و آن تصرف تدریجی قدرت بود، و با بهتر بگوئیم مشا رکت تدریجی در قدرت بود. جناب ایشان ابتدا می خواست وزارت آموزش و پرورش را بگیرد که افکار مردم را با ملاح خودشان " روشن " بکنند، سپس می خواستند وزارت دادگستری را بدست آورند و " سنگر " دوم بود که گویا قابل تسخیر بود و بهمین ترتیب بیرونتا به مقصود میرسند، ولی بورژوا لیبرالها بیچاره ما نمی دانستند که هرگز به این مقصود خود نمی رسند و نرسیدند. فقط در زیر ضربات سنگین حرکت توده ای انقلابی ملت بود که امیرالیسم و ارتجاع سنگر به سنگر عقب نشاندند و حتی حاضر شدند که بسوزوزوا لیبرالها را در قدرت شریک گردانند و این عقب نشینی، تا کتیک و مانور موقتی از جانب ارتجاع و امیرالیسم بوده و هست تا دفع الوقت کنند، از بنفید در صفحه ۳

سرمایه های این امیرالیسم میباشند و تمام منطقه خلیج فارس و خاور میا و خاور نزدیک را در بر میگیرد و توار قوا را بسود خلیجها دگرگون میسازد شکست امیرالیسم آمریکا در این مبارزه ضربه بزرگی است بر یک امیرالیست و تمام اردوگام امیرالیسم. مردم ما در متن این مبارزه آگاهی خود را در مورد امیرالیسم و قوا را در ده های اسارتش با میبرند و همبستگی شان با مبارزه ضد امیرالیستی سا پر خلیج را عمیق تر میگردانند. مردم ما از نمون مفاومت قهرمانانه سا پر خلیج در می آموزند و با لاتر گرفتن این مبارزه آگاهانه گی انقلابی شان هر چه بیشتر فرونی می یابد.

دانشجویان آگاه و مبارزان با ید به سازماندهی خود را در خدمت آن وسیع و متشکل نمودن مردم بکار گهربند و با گسترش و تعمیق هر چه بیشتر این مبارزه در پیشبرد آن بکوشند.

در این میان ضروریست تا حساب سازشکاران و دورویان و آنهایی که میخواهند از این مبارزه بسزرگ بسود منافع انحمارجویانه و مشروعه گرایانه شان بهره ببرند از حساب کسانی که با خواست مبارزه علیه امیرالیسم و آزادی و استقلال ایران میکوشند جدا شده و انشاء شوند. محافظانه هیئت حاکمه که در حقیقت مخالف این مبارزه بوده و در راه آن سنگ می اندازند با ید انشاء شوند، دارودسته وابسته و خاشن کمیته مرکزی که خود سر در آخورا بر قدرت امیرالیستی دیگری دارد و امروز فرصت طلبانه سا همراهی با این مبارزه را میزند با ید انشاء شوند. بهمین ترتیب نیز با ید حساب دارودسته معروف به " سازمان انقلابی که ننگ خیانت رهبران کنونی چین را بر پیشانی داردرسیده شود، آنها نیک میکوشند در این مبارزه متحد شکاف انداخته و چاق بدستان را بر علیه مبارزه نیروهای مترقی و انقلابی بسیج نمایند با ید انشاء شوند. تضاد در بر توشرکت هر چه گسترده تر در این مبارزات است که میتوان این دسته ها را انشاء نمود و تنبها در بر توی این افشاکاری است که میتوان وحدت واقعی همه نیروهای مبارزان را بین کرد و تنبها در بر توی این وحدت است که میتوان این مبارزه را به پیروزی رساند.

۱۶ آذر سال با یدنا همد جنبش دانشجویی متحد ایران بر علیه امیرالیسم آمریکا با ش... چنین کنیم.

حقیقت

آقای بازرگان

شور و حرارت انقلابی توده مردم بهبه -
 کا هندو بعددویا ره تنها جمهضدا انقلابی
 خود را از سر گیرند . فقط کافی است
 نگاهی به یکی از اعلامیه های انشا -
 گرانه دا نشجویان اشغال کننده جا -
 سوسخا نه آمریکا ببیند ازیم که چگونه
 آمریکا قصد داشت با کمک مزدوران خود
 چون درخشش و امینی و ... یک خط
 میان نه " رادرجا معجا بیندا زدونگاه
 دریا بیم که چگونه خط بورژوا لیبرالی
 و رفرمیستی در عمل به تاکتیک و ما -
 نورا میریا لیستی خدمت میکرد .

ولی بورژوا لیبرالها درس
 نمیگیرند چون از انقلاب وحشت دارند .
 ببینید آقای بازرگان چه با خشم و
 بغض از مسلح شدن توده سخن میگوید :
 " خیلی ها می گفتند وقتی انبساط
 مهمات بدست مردم افتاد ، همه آن
 روز را جشن گرفتند و چراغانی کردند .
 ولی همان روزها خیلی ها میگفتند
 این پیروزی مصیبت بزرگی است و
 بخش اسلحه بدست مردم با بدروزی حل
 شود و خلق سلاح عملی شود ... " (با -
 مداد ۳ آذر ۱۳۵۸) . چه نتیجه ای می -
 توان از این " کلمات قصار " گرفت
 جز آنکه قیام مردم در بهمن ماه ، برای
 آقای بازرگان مصیبت بزرگی بوده
 است . بورژوا لیبرالها ، مسلح شدن
 توده مردم را خطری جدی برای خود
 میدانند و بنا بر این فرمان خلق سلاح
 عمومی را قاطعانه ما در می کنند هیچجا -
 کی هم ندارد که این خلق سلاح بدست
 همان ارتش فاشیستی مورت گیرد که
 مردم علیه اش قیام کردند و بدین ترتیب
 تیب ، بنا به ما هیت طبقاتی خود ،
 ما ام میریا لیسم و ارتجاع میفند چرا
 که مرتجعین قبل از هر کس و هر طبقه ای
 از مسلح شدن توده زحمتکش هراسنا -
 کند .

این چنین است که بورژوا
 لیبرالها که خود به برکت جانفشانی
 توده مردم بر اریکه قدرت تکیه زدند ،
 آنا بر علیه انقلاب برمی گردند و لبه
 تیز تیغ خود را بر صورت انقلاب می کنند
 و این چنین است که بنا چار دست اتحاد
 سوی بقای ارتجاع و امیریا لیسم
 دراز میکنند !

۲- آقای بازرگان ، مدافع دو آتشه
 " نظم و آرا می " من که معتقد به پیشرفت
 صنعتگر به سنگری بوده و هستم ضد انقلاب
 نمی توانم باشم - میگویند مقررات
 اداری را کنار بگذارید ، این مقررات
 دوران ظلم منظم شده بود . ولی حالا
 نمی شود بدون مقررات کشور را اداره
 کرد "

" بقول آن خاتم که در کنگره
 آزاد مردان و آزاد زنان طاغوت گفت
 با این کار " سندر قیت " ما پاره می -
 شود . کارخانه ذوب آهن را می گویند
 مال کارگراست - کارخانه نورد هواز
 را می گویند مال کارگراست - میگو -
 یند شاگردان و دانشجویان با بدرئیس
 دانشگاه و استادان را انتخاب کنند ،
 مگر با این شعارها میشود کار کرد ... "
 (با مداد ۳ آذر ۱۳۵۸)

برای بورژوا لیبرالها ، قان
 نون ، نظم و آرا می ، بمشابهنا موس
 و با بقول آقای بازرگان " سندر قیت "
 شان است . هر طبقه ای و منجمله
 بورژوا لیبرال میخواهد خود عنان قدرت
 سیاسی را بطور تام و تمام در دست داشته
 باشد . ولی بورژوا لیبرال سازشکار
 و خیانت پیشه ، آنقدر ضعیف و ناتوان
 است که مجبور است که با تکیه بر همان
 ارگانها ، قوانین و نظم کذایی ارتجاع
 سلطه خود را اعمال کند . برای آقای
 بازرگان ، خواست به حق توده های
 زحمتکش و انقلابیون در تعیین و شرکت
 در سر نوشت خویش ، هرج و مرج است ،
 چرا که قدرت ایشان را خدشه دار میکند .
 مگر میشود که شوراها ، مدیریت اجرائی
 را در دست بگیرند ، آنکه دبیر آقای
 بازرگان چکاره است ؟ مگر میشود
 بدون قانون و نظم کشور را اداره کرد ؟
 ما هم میگوئیم خبر نمی شود ! ولی

قانون چه کسی وجه طبقه ای ؟ زحمتکش
 و انقلابیون میگویند قانون و نظم
 انقلابی ، چیزی نیست جز انبساط
 طبقاتی بیرون از طبقه اندو چکیده و کمترین
 دهنده انقلابند و نه قوانین و مقرراتی
 که حاصل و چکیده سلطه طبقات مرتجع
 طی سالیان دراز بوده است . ولی
 آقای بازرگان خواهان " نظم " است ،
 از آن رو که با نظام انقلابی مخالف است .
 آقای بازرگان با نظام انقلابی مخالف
 است و به آن بی شرمانه مهر هرج و مرج
 طلبی میگوید . برای آقای بازرگان
 بهتر است که بجای نظام انقلابی ، بر
 نظامنا هشا هی تکیه کند و با طر همین
 هم میگوید ، " ... میگویند مقررات
 اداری را کنار بگذارید ، این مقررات
 دوران ظلم منظم شده بود . ولی حالا
 نمی شود بدون مقررات کشور را اداره

کرد " و این سندر قیت اوست . ولی
 چه باک که این ناموس و این سندر قیت
 سخت از طرف ارتجاع و امیریا لیسم
 آلوده گشته و به لوث کشیده شده است .
 آقای بازرگان بسوزو
 لیبرال ، آشفتر از انقلاب و از دست
 رفتن نظم و آرا می کذاشی اش میترسد
 که فریا دبر می آورد : " ... بنا به
 هرج و مرج را توسعه بدهیم - زیرادر
 مملکتی که هرج و مرج باشد و مال و
 صندوق و همه چیز ما حب صنعت را حراج
 کنیم چطورا این انقلاب پیروز میشود ،

این هرج و مرج اگر کنترل نشود
 تنها به کسی زمین نمی رسد بلکه خانه
 دارها هم ممکن است بی خانه شوند ... "
 شمتیز طبقه ای آقای بازرگان بخوبی
 خطر را احساس کرده است ! در صورت
 ادامه " هرج و مرج " (بخوانید
 انقلاب) همه چیز (بورژوازی) از
 دست می رود ، مال و صندوقان ،
 زمینها ، خانه مان و همه چیز مان !
 و آنگاه انقلاب پیروز نشده است !
 آری در این صورت " انقلاب پیروز
 نشده است " ولی " انقلاب " از دید
 بورژوازی لیبرال نه از دید زحمت -
 کشان ! آقای بازرگان نداد در میسد
 هد ، ای بورژواها ، مالکین ، متحد
 شوید که منافع ما در خطر است ! جلوی
 انقلاب زحمتکش را بگیرید ، اجازه
 ندهید پیش از این در تحقق خواسته ها
 یشان با فشاری کنند و بر ارتجاع و
 امیریا لیسم بتا زند ، که در آن صورت
 ما ، بورژواها و مالکین باز نشده
 این " هرج و مرج " خواهیم بود .

۳- آقای بازرگان و مبارزه بر سر قدرت

آقای بازرگان بسوزو
 لیبرال که در مبارزه بر سر قدرت سیا -
 سی در چند هفته گذشته ضربه ای نوش
 جان کرده است ، سخن خود را با شکسته
 بقبی خاص بورژوا لیبرالها " فریب
 خورده آغاز میکند : " حضور من در
 حسینیه رشا دنه به ممت نخست وزیر
 سابق است ، نه بنام عضو شورا ی
 انقلاب ... من بیاد همان روزهای
 بی ناموشان بودن ، امروز در
 جمع شما هستم و برای شما صحبت
 میکنم ... " (اطلاعات ۲۶ آبان
 ۱۳۵۸) . ولی آقای بازرگان فعلا
 فقط ضربه خورده و به هیچوجه از میدان
 خواب و خیال ریاست جمهوری را می
 سبند و خود را از گردونه هیچوجه خارج
 نکرده است . و بنا بر این آنا به پیرو
 پایه شرکای دیگر در قدرت میببند :
 " اما حالا با اجازه با یید - بشا شیم سر

این مطلب که روزی کلاهی هم با یید
 حرف خودش را بزند ... بعد از انقلاب
 ما دیدیم در صنف روحا نیت روی عقده ها
 و محرومیت ها یشان و شا یدش مرتدگی -
 شان در عدم نجا موظا یشان و دیسن
 شان در مردخالت در امور سیاسی بیش
 از پیش آغا ز شد و حالا میخواهند وار د
 مدیریت - عاملیت بشوند - که اینهم
 یکی از آثار انقلاب اسلامی است ...
 از حماس ترین ، از نازک نارنجسی
 ترین صنف مملکت با همه احترام می که
 برای آنها دارم صنف روحا نیت است
 که بگردن آنها حق ندارم ... " (اطل
 هات ۲۶ آبان و با مداد ۲ آذر ۱۳۵۸)
 آقای بازرگان ، خیلی با
 احترام و تکریم خاص بورژوا لیبرالها
 در مقابل قدرت ، خواهان بخشی از
 قدرت از روحا نیون مشروعه طلب است .
 او ادعای ارث و میراث از این خوان
 بهما دارد و میگوید که برگردن صنف
 روحا نیت " حق " دارد . آقای
 بازرگان با زبیرکی خاصی جا مع را به
 دو قشر مکتلا و معمم تقسیم میکند (کاری
 عبت و بیپهوده است ، ولی میتواند
 باعث انحرفات جدی باشد) ، نتا
 بتواند خود را نماینده " کلاهی " ها
 و بعبارت دیگر بورژوا لیبرالها و
 روشنگران بورژوا لیبرال معرفی
 کند . او در صدد بسیج این قشرا زجا -
 مع در زیر لوای خود است ، قشری که
 بنا به ما هیت طبقاتی خود ، روحانیت
 را یکپارچه دیده ، همگی آنها را متحجر
 و مخالف " دموکراسی " ، همان
 دموکراسی کذاشی بورژوا لیبرالی ،
 میدانند و فکر میکنند که آنها ، یکدست
 در بی ایجاد یک دیکتاتوری مذهبی
 قرون وسطایی بوده و امروز همه آنها
 را در جا مع بعنوان انحصا ر طلبیان
 معرفی میکند . آقای بازرگان صریحا
 در نطقش به این قشرا را ره کرده و از
 آنها دلجوئی کرد : " مهندس بازرگان
 در خانه پیش از این خوب نفس رویش
 را موز میوزی میوز ، از او که مت چسبون
 اینها در انقلاب عمل عمده شی انجام
 ندادند امروز نفس خاصی دارند (!!) -
 اینها نه جپی بودند و نه اسلامی داغ -
 ونمی خواستند دروغ هم بگویند - در
 این انقلاب هم چون نوعی انحصا رگری
 های مذهبی وجود داشت - روشنگران
 غرب ما نندند و نا میدکنا رمانند و بنا
 تعجیل انقلابی رو برو شدند ... " (اطل
 عات ۲۶ آبان ۱۳۵۸) .
 آقای بازرگان که همه روحا -
 نیت را در یک کیسه کرده و آنها را انحصا ر
 طلب میدانند ، خود از انحصا ر طلب
 ترین نیروهای سیاسی است . او در
 بنیه در صفحه ۴

آقای بازرگان

طی ۹ ماه نخست وزیریش، ۴ بار که -
 بینه را ترمیم کرده و هر بار تعداد دبیشتری
 از وزرای وابسته به " نهضت آزادی "
 (سازمان سیاسی آقای بازرگان)
 بدون کا بینه راه یافتند و نیروهای
 سیاسی دیگر از کا بینه بیرون شدند
 (مانند توطئه چینی بر علیه وزرای
 عضو " جا ما ") . آقای بازرگان
 خیلی بی پرده از کسب قدرت بمشابه
 نشستن بر سر خوان یغما نام میبرد .
 " ... همه آ مدنند تا بر سر این خوان
 یغما - بر سر خوان نعمت سهم و نصیب و
 بهره ویا غنیمت بگردند یعنی یک حالت
ضد دموکراسی پیدا شد " اشاره بازرگان
 در آیتجا در ظا هربسوی نیروهای چپ
 و انقلابی است ، ولی در باطن همه
 نیروها را در نظر دارد . آخرین چه
 مخیله آلوده های است (البته از یک
 بورژوا بیشتر از این انتظار نیست)
 که درست پس از انقلاب ، کسب قدرت را
 نشستن بر سر خوان یغما و تقسیم غنا شام
 میداند ؟ بازرگان خیلی بی پرده
 خواست نیروهای سیاسی دیگر را در شرکت
 در قدرت یک حالت ضد دموکراسی " می
 نامد . این از دیدگاه آقای بازرگان
 کا ملامحیح است . دموکراسی از نقطه
 نظر بورژوازی ، یعنی آزادی بیولوژی
 برای چپ اول مردم و طبقه کارگر ، یعنی
 دیکتاتوری بورژوازی . بنا بر این
 از نقطه نظر بورژوازی ، حرکت نیروها
 سیاسی دیگر و توده های مردم برای
 اعمال قدرت ، " ضد دموکراسی "
 است (اینجا دم خروپه ظاهر میشود ، و از
 اینجا است که چه در گفتار او چه در کردار
 و عمل ۹ ماهه آقای بازرگان بمشابه
 یکی از آنحما ر طلب ترین نیروهای
 سیاسی خود را بیروز داده است ، و از
 اینجا است مبارزه او بر سر قدرت بسا
 سا بر نیروهای شریک در قدرت که
 امروز بطور عمده در زیر چتر بیظا هر
 واحدی بنا مروحانیت جمع گردیده اند .
**۴- آقای بازرگان میخواهد مبارزه
 را منحرف کند :**

ولایت فقیهی ها قصد دارند تا قانون
 اساسی کذایی تدوین شده در مجلس
 خبرگان تا ن را به تصویب مردم بیاورند
 سازند .
 ۹ ماهه تمام دولت موقت آقای
 بازرگان و " شورای انقلاب " مردم
 را سردواندند و از گسترش و تعمیق
 انقلاب و مبارزه برای تحقق خواسته
 های اساسی مردم در مبارزه ضد امپریالیسم
 یا لیستی ردموکراتیک غایب خالی
 کردند . ۹ ماهه تمام بورژوا لیبرالها
 و ولایت فقیهی های در قدرت جهت
 مبارزه را منحرف کردند ، خرده بورژوازی
 را بر علیه طبقه کارگر و نیروهای
 انقلابی تا زانند ، تا خود را زاین
 شرایط سود جست و بر اریکه قدرت
 مسلط تر گردانند و بقول آقای بازرگان
 " از خوان یغما بهره " بیشتر
 نصیب ببرند .
 اما امروز تحولی در جامعه
 صورت گرفته است . بلند شدن موج
 مبارزه ضد امپریالیستی ، پس از
 اقدام متوا رنده انشجویان در اشغال
 لانه جاسوسی امپریالیسم آمریکا ،
 دقیقاً بروی همان جهت است که
 توده های مردم و نیروهای انقلابی
 برای تعمیق و گسترش انقلاب ایران
 خواهان بودند . این حرکت ضد امپریالیستی
 یا لیستی توده های ، در بطن خود حامل
 شرایطی است که اتحاد طبقه کارگر ،
 دهقانان و خرده بورژوازی را در مبارزه
 رز برای گسترش و تعمیق انقلاب
 بهمراه آورد . اتحادی که به هیچ وجه
 خوشا یبند ارتجاع و امپریالیسم نیست
 و بورژوا لیبرالها و ولایت فقیهی های
 مکار و دو آتشه نیز از آن سخت میترسند .
 اتحادی که در نقطه مقابل خواست و
 هدف بورژوا لیبرالها و در مقابل
 جهتی که آنها دلشان میخواست و می
 خواهد خرده بورژوازی را بتا زانند .
 امروز دوشی در متحد ساختن طبقات
 در مقابل یکدیگر قرار دارد : خط مشی
 طبقه کارگر برای متحد ساختن کارگران
 دهقانان ، خرده بورژوازی در مقابل
 با امپریالیسم و ارتجاع و پیروزی
 کامل انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی
 و حتی کشاندن بورژوازی به
 دنبال این مشی ، و خط مشی بورژوا
 لیبرالها و ولایت فقیهی ها در متحد
 ساختن خرده بورژوازی با خود وزیر
 رهبری خود برای سد کردن راه پیشرفت
 انقلاب ، برگرداندن لسه تیز تیغ
 نان بروی نیروهای انقلابی و طبقه
 کارگر . نا گفته روشن است که بلند
 شدن این موج وسیع ضد امپریالیستی ،
 در عینیت خود بنبغ نیروهای انقلابی
 و بوجوه آ ورنده شرایط مساعدی برای
 اتحاد مستحکم ضد امپریالیستی است .

تا نیروهای انقلابی چگونه از آن بهره
 برداری کنند و از خرابکاریهای
 ارتجاع و امپریالیسم ، و بورژوازی
 لیبرال و ولایت فقیهی ها جلوگیری
 از سوی دیگر ولایت فقیهی ها
 میخواهند ، قانون اساسی کذایی را
 بتصویب برسانند و مکارانه حتی سعی
 دارند که از این حرکت توده ای ضد
 امپریالیستی برای بارور کردن
 مقاصد خود بهره بگیرند .
 آقای بازرگان سعی دارد به
 ما نند ۹ ماه گذشته خط خود را بر
 خرده بورژوازی غالب کند ، از شور و
 حرارت مبارزه ضد امپریالیستی بکاهد
 و بقول خودش این " هرج و مرجی " که
 بلند شده را بخواباند .
 آقای بازرگان ، از این شور
 و حرارتی که در مردم در مبارزه ضد
 امپریالیستی بلند شده ، از این تکیه
 مردم خواهان قطع هر گونه وابستگی
 هستند ، از این که حتی مردم برای مبارزه
 با امپریالیسم مطالب مسلح شدن
 میباشند ، زیاد دلخوشی نداشته و از آن
 بیمناک گردیده است . بهمین خاطر
 هم طبق معمول همیشگی خود بورژوازی
 لیبرال درباره " احتیاجات " ما به
 " غرب " داد سخن میدهد و در پی " هوا
 کردن موشک " (!!) میفتد : " ... ما
 چه بخوایم چه نخواهیم چون در قسرن
 بیستم بدنی آتده ایم نمیتوانیم
 ارتباطات را مدنظر بگیریم و دور خود
 را دیوار بکشیم - برای خود کفا بودن
 با بد صنعت و کشتا و رژیما را با استفاده
 از تمدن غرب مجبوسا زیم - اگر میخواه
 ایم قدرت داشته باشیم باید از تکنولوژی
 لوزی غرب استفاده کنیم - دیگر بسا
 چرتکه نمیخوئد هوا بیما بسا زیم باید
 کا مپیوتر تروی این مملکت بیاید -
 ما حالا که رهبری نهضت ضد امپریالیستی
 را بعهده گرفته ایم و شما را شمسار
 جهانی شده است ، با پیدا زسکوی محکمی
 برای پرتا با این موشک استفاده
 کنیم - سیاست گام به گام ما برای
 این بود که موضعه را یکی پس از دیگری
 محکم سازیم ... " (با مسدا ۱۳۰ آذر)
 بعله ! آقای بازرگان به مملکت
 ایران نصیحت میکنند که برای مبارزه
 ضد امپریالیستی با یدیا تکیه بر
 امپریالیسم حرکت کرد . اسم این راهم
 میگذا رند " سیاست گام به گام ... که
 موضعه را یکی پس از دیگری محکم "
 میسازد . لابد خرید چند میلیار دلار
 اسلحه از طرف آقای یزدی از آمریکا
 برای این بوده که ارتش حکمی بسا زیم
 و برویم به جنگ آمریکا !! لابد تربیت
 ۲۶۰ خلبان ایرانی در آمریکا بخاطر
 اینست که آمریکا میخواهد ما " مستقل "
 شویم !! ما دیدیم که چگونه در عرض ۹ ماه

حکومت شما ، موضعه ها محکم گردید ، البته
 موضع امپریالیسم آمریکا ! ما دیدیم
 که چگونه در عرض ۹ ماه حکومت شما
 جا سوسخا نه امپریالیسم آمریکا ، بطور
 شباندر روزی در پی توطئه چینی در ایران
 بود ، و دولت شما و وزیر خا رجه شما (که
 خیلی از کسستن کا سه کوزه ها بر سرشان
 دلخورد) حتی از فر شاه به آمریکا
 خبر داشت ، ولی دم بر نیآ و روحی
 قول ساکت کردن مردم را نیز داد . آقای
 بازرگان میخواهد مبارزه ضد امپریالیستی
 یا لیستی را منحرف کند و از مطالبات
 آن بکاهد !
 و برای اینکا رجا خواست
 امتیاز میدهد ! آقای بازرگان زیاد
 از قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان
 خوش نمی آید ، ولی برای کشیدن
 ولایت فقیهی ها و بخصوص آیت الله
 خمینی ، و از این طریق کشیدن خرده
 بورژوازی بروی خط خود ، میگوید :
 " ... با تعقل و اندیشه و با توجه
 داشتن به اینکه انقلاب با بد ما نسو
 از هر دسیسه شی برکنار باشد به قانون
 اساسی رای مثبت بدهید که در کنسار
 این قانون اساسی است که مملکت از
 میان امواج هرج و مرج به ساحل نجات
 و راهی خواهد رسید . " این قانون
 اساسی یک قانون ضد انقلابی است و
 برای سد کردن راه انقلاب و ستسم
 دیدگان ! ولی بازرگان در این اوضاع
 حساس (حساس برای بازرگان) که
 انقلاب را (و بقول بازرگان هرج و
 مرج) در اعتلا و پیشرفت می بیند ،
 میخواهد همان اتحاد کذایی خود را در
 زیر پرچم قانون اساسی زنده کند و
 بدین ترتیب از پیشرفت انقلاب جلو
 بگیرد . اودست اتحاد بسوی ولایت
 فقیهی ها و جنبه های عقب مانده خرده
 بورژوازی ایران در از می کنند با
 تکیه بر آنجا ، بر علیه انقلاب و طبقه
 کارگر بیتا زد . تا دوباره بیما ننند ۹
 ماهه مدارش خط بورژوا لیبرالی اش
 بر جا مع حکم فرما شود .
۵- آقای بازرگان از چه میسوزد ؟
 و حالا میتوان اهداف واقعی
 نقطه های پی در پی آقای بازرگان را
 در حسینیه ارشاد فهمید ! جا مع ما
 هنوز در بحران انقلابی تب و تاب
 انقلاب به پیش میرود . انقلاب از بیج
 و خمهای بسیاری میگذرد ، گاهی افت
 میکند و گاهی خیز میگیرد . ۹ ماه تمام
 دولت موقت بازرگان و " شورای انقلاب "
 کوشیدند تا شور و شوق انقلابی مردم را
 بخوابانند و آنها را به کجراه های ضد
 انقلابی بکشانند . ولی مردم خواهان
 انقلاب ، دوباره با جرعه اشغال جا -
 بغیه در صفحه ۸

روی سخن با کارگران پیمانی است

- ۱ - چرا مسئولان صنعت نفت موافقتنا مه ای را که با کارگران پیمانہ نی بسته اند اجرا نکرده اند؟
- ۲ - چرا حقوق روزهای پنجشنبه ها را به کارگران پیمانہ نی (اداره ساختن) پرداخت نمیکنند؟
- ۳ - پول بیمه که در مدت هفت ماه از کارگران پیمانہ نی (اداره ساختن) کسر شده چرا به شرکت بیمه پرداخت نشده؟

بعد از سرنگونی رژیم منفور پهلوی، چیزی که فکر هر کارگر پیمانہ نی را به خود مشغول میگرد، مسأله رسمی شدن بود - کارگران پیمانہ نی این تصور را داشتند که بعد از یک عمر مبارزه به خواسته های بحق خود خواهند رسید. همچنین آنان (کارگران پیمانہ نی) خوشبین و امیدوار بودند که بعد از اعتصاب و قبول کردن توافقنا مه ای که بین نمایندگان کارگران و مقامات صنعت نفت صورت گرفت به خواسته هایشان که شامل کرایه منزل، جیره غذایی، ... خواهند رسید. اما پس از گذشت مدتی نه تنها موارد توافقنا مه از طرف مقامات صنعت نفت اجرا نشد بلکه تعطیلی پنجشنبه ها را که کارگران در طی مبارزات پیگیر خود در رژیم منفور پهلوی بدست آورده بودند از آنان گرفته شد.

با شروع مبارزات خلق قهرمان ایران که به سرنگونی رژیم منفور پهلوی این سنگ وابسته به امپریالیسم آمریکا منجر شد، خلق قهرمان ایران با مبارزه پیگیر خود توانست پیگیره این رژیم سرتاپا وابسته به امپریالیسم آمریکا، این دشمن شماره یک خلقهای ستمدیده و زحمتکش جهان، را به خاک و خون بکشد ولی از آنجائی که اصلاح طلبان و تشنگ نظران این خائنین به انقلاب که چشم دیدن خروشدن خلق را نداشتند انقلاب را در نیمه راه به ماشکشانه و پاره پاره روی خون ۷۰ هزار شهید به خون خفته خلق گذاشتند. نتیجه آن نارضایتی خلقهای ستمدیده مان و پاره پاره شدن حقوق حق کارگران، دهقانان و ازبیین بردن آزادیهای بدست آمده.

کسی در این امر هیچ شکی ندارد که اگر مبارزات کارگران قهرمان بخصوص کارگران صنعت نفت نبود به این زودی ها کمربند رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا خم نمیشد. در میان کارگران قهرمان صنعت نفت کارگران پیمانہ نی شرکت نفت نیز قهرمانانند در این حرکت توده ای میهنمان شرکت جست و همگام با سایر کارگران مبارزه کرده است. کارگران پیمانہ نی که نسبت به بقیه کارگران ظلم و ستم بیشتری دیده اند و حتی سنگینی بار کارها بیشتر بر دوش آنهاست از محرومترین و زحمتکشترین کارگران ایران هستند و در این میان نیز شدت استئمان شده و میشوند.

با این وجود کارگران و بخصوص کارگران پیمانہ نی آیا به خواسته های بحق خود که همانا نتیجه یک همزحمت و مبارزه بوده است رسیده اند یا خیر؟ ما میگوئیم خیر چرا؟ چونکه کارگران در این شرایط دشوار و باگرائی خرج و پاشین بودن دستمزدها هنوز نمیتوانند مسورات زندگی خود را بگذرانند بخصوص با زدن مدارس و خرجی اضافه بر خرجهای دیگر فشار بیشتری بر کارگران پیمانہ نی وارد میکند. درد و مشکلات کارگران پیمانہ نی چندبرابر بیشتر از دیگر کارگران رسمی است چون مزایائی که به

بفید در صفحه ۷

برس شرکت نفت، و دیگر کارفرین هیچکدام دلشان برای کارگران سوخته و اینرا در جلسه نشان دادند. ولی کارگران ریمینگو که از مذاکسره و جلسه شنیدن وعده دیگر گوششان بر شده بود، دیگر از خیر این مذاکسرات گذشته اند. اگر کارگران زحمتکش ریمینگو تا چند روز پیش هنوز چشم امید به دودستگاههای رژیم، به ادارات و وزارت دوخته بود، امروز دیگر چشم و گوش به ما هیت این بساط بازنده و میدانده وظیفه همه شان نوکری کارفرما است.

از مبارزات و خواسته های کارگران ریمینگو دفاع کنیم

- ۱ - خلع بدکار فرما
- ۲ - رسمی شدن (زیر پوشش شرکت نفت)
- ۳ - تصفیه عناصرمزدور و احسا برسی
- ۴ - بازگشت کارگران خراجی به سرکار
- ۵ - پرداخت اضافه حقوق
- ۶ - پرداخت حق عائله مندی
- ۶ -

بیشتر از یک هفته از مبارزه کارگران شرکت ریمینگو برای رسیدن به ۱۳ خواسته اعلام شده شان میگذرد. طی این مدت تمام حیلہ های کارفرما که با دستیاری اداره کار سعی در فریب دادن کارگران داشته اند با هوشیاری و قاطعیت کارگران نقش بر آب شده است.

طی این یک هفته کارگران ریمینگو خیلی چیزها آموختند. وقتی که روز چهارشنبه ۱۶/۸ کارفرما در معرض هجوم کارگران قرار گرفت، کارگران دیدند که چطور با یک تلفن کارفرما "نجات دهنده" خود یعنی رئیس اداره کار را خبر کرد. و دیدند که رئیس اداره کار با میانجیگری و ریش سفیدی و با درآوردن جزوهای از قرآن میخواست سرکارگران را شیزه بماند. آنها را از ادامه مبارزه برای رسیدن به حق مسلمشان منصرف سازد. واقعا که همیشه و در همه حال سرمایه داران و کارفرمایان نه به تنهایی بلکه با کمک دودستگاهها، ادارات، وزارتات، قوانین، ... بجنگ کارگران میایند و گرنه رئیس اداره کار چه اصراری داشت که کارفرما را هر طور که شده از دست کارگران و خواسته های شان برهاند. ظاهر رئیس کار روتیا فحق بجانبی که میگرفت و... که برای کارگران "حق" شان نمیشود، اصل موضوع اینست که اسپر بلای کارفرما شود و میدانیم که این کار را رژیم حامی سرمایه داران هر بار بیک شکل انجام میدهد: یکبار با کمک قوانین اینکار را میکند، بار دیگر با زور سرنیزه و ارتش و تفنگ و کمیتها و یکبار هم با متوسل شدن به آیه و آخوند و درآوردن جزو قرآن برای کارگران!

ولی علیرغم همه اینها مبارزه کارگران ریمینگو از حرکت باز نمیماند. قدری که این مبارزه ادامه مییابد کارگران به واقعیات بیشتری پی میبرند. رادیو و تلویزیون هم یکی از آن بساطهای بودکسه کارگران فهمیدند مستقیما در خدمت آقایان کارفرما میاشد.

کارفرمایان که از دیدگاه گردانندگان این رژیم عزیز و محترم است، با یدهم که پیغام سراپا دروغش قبل از کارگران و بسرعت از فرستنده ها خشی گردد. وقتی کارگران از رادیو و تلویزیون شنیدند که کارفرمای ریمینگو ۱۳ خواسته شان را داده است نزدیک بود شاخ درآوردند. کارگران به این عمل ریاکارانه کارفرما اعتراض کرده و وقتی روزیکشنبه برای کذب این خبرنگار مسئولین رادیو و تلویزیون آبادان میروند هفتست - زبان رستم جلوی پایشان گذاشته میشود: "با بدرویدنا مه ای... بسا ویرد!" زهی بیشرمی! کارفرمایان که آندوسر ضرب پیغام ضد کارگری دروغینشان را از این بساط خوانند زنگانها آمده بود؟ آقایان مدافعین با برهنه ها با شما هستیم! قسم حضرت عباسان را قبول کنیم یا دم خروس تا فرما را که از زیر بغل شان بیرون آمده!

بهر صورت جلسه روزیکشنبه که تا ساعت یک بعد از نیمه شب بطول بجامید نیز نتوانست گروهی از کارگران بگشاید. البته حقیقتش بسته نخواهند بگشایند. فرماندار، رئیس اداره کار، "میری" حسا -

همبستگی ضد امپریالیستی کارگران پروژه‌های

تاریخ ۵۸/۸/۱۷

هموطنان مبارزان ما زاده :
با ردیکرا راده خلق قهرمان ما برای قطع دستان غارتگر
امپریالیسم و ارتجاع و بسته‌دانی خلی از میهنمان که با خشم و خروش برای
وارد آمدن و رخنه‌های بی‌سیطره امپریالیسم و محو کامل ریشه‌های
وابستگی سیاسی - اقتصادی (قراردادهای نفتی) و نظامی بعد از آزادی
یافتن و این تجلی راده‌خلفی‌های دلاورانه و همچنین بی‌انگیزگی و انزجار
مردم وطن ما از مآذین و شوط‌های امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا -
دریسه‌دهان شاه مخلوع این عامل رسوای نظامی و سرسپردگان کسب
تانیات نوم و نکبت با آن برتیا مظهر هستی این جامعه بویژه برزندگی
کارگران و زحمتکشان ما پیدا کننده است .

ما کارگران پروژه‌های که بخشی از زحمتکشان و استثمارشدگان
این مرز و بوم هستیم ، امپریالیسم را یکی از عمده‌ترین عوامل زندگی ستم -
وار و محنت زده خودمان می‌بینیم ، بیماری ، فقر ، گرسنگی و بی‌بهره
هنگی و کلیه مظاهر عقب ماندگی را در وجود این بیکره‌ها می‌بینیم
با کینه و نفرتی که ناشی از خالصیت وجودی ما زحمتکشان نسبت به امپریا -
لیسم می‌باشد عتقا دوایمان را سخ داریم تا زمانیکه ریشه‌های وابستگی
امپریالیسم و ارتجاع داخلی بطور تمام و کمال قطع نگردیده‌اند تنه
بحرانهای سیاسی و اقتصادی در سراسر کشور بجای خود باقی خواهد ماند
بلکه استقلال و آزادی نیز در جاده ما استقرار نخواهد یافت .

ما کارگران پروژه‌های آبا دان که همواره در مبارزه علیه
استبداد و استعمار در صف اول قرار داشته‌ و در ابریم همبستگی خود را بی
اقدام انقلابی دانشجویان رزمنده مسلمان پیرومی اما ما در اشغال سفارت
آمریکا این لانه‌ها دوجا سوسی تاشید و اعلام میداریم .
"تنگ و نفرت بر امپریالیسم و سرسپردگان داخلی اش"
"تا بودیا دسلطا هریمنی امپریالیسم جها سخا و آمریکا"
"سختکما دپیوند کارگران و زحمتکشان سراسر ایران در مبارزه علیه
امپریالیسم و ارتجاع"

"سندیکای کارگران پروژه‌های" فضلی" آبا دان و حوبه

تخصیص کارآموزان مراکز حرفه‌ای

کارآموزان مراکز حرفه‌ای کارآموزان را در رشته‌های مختلف
سهران (مراکز آموزش عالی) در استان گسترده
کوه مرکز در میدان شهدا و مرکز
کرج از ۱۴ تا ۱۷ آبان در سه تخصص
در محل وزارت کار و رفاه -
اصلی آبان در صنف مراکز آموزش حرفه -
ای از وجود مراکز صنفی و عتوئی و تعیین
کاربرای کارآموزان پس از پایان
دوره آموزشی در صورت قبولی
پرداخت حق سبکداری خواهد
مراکز آموزش حرفه‌ای در شهر
های مختلف سهران ، کرج ، اراک ،
اصفهان ، تبریز و ... را گردیده‌اند ،

ادامه مبارزه کارگران نخ زرین

حدود دو ماه است که کارگران
مبارز کارخانه نخ زرین در مبارزه
سختی با کارفرما ، عوامل آن و کمیته
شماره ۱۳ مدافع کارفرما ، درگیر
هستند . در طول این مبارزه کارفرما و
عوامل و حامیان کمیته‌چی وی دست
بهرکاری برای درهم شکستن اتحاد
و یکپارچگی مبارزه‌جویان کارگران
زده اند ولی در این کار خود نهنه
موفق نگردیده‌اند ، بلکه با کوشش‌های
کارگران آگاه ، اتحاد و یکپارچگی در
سطح کارخانه عمیق تر شده ، دامنه
مبارزه بیرون از کارخانه کشیده
شده و عتقا دبه نفس کارگران را افزا -
یش داده است .

مبارزه کارگران که یکی از
خواسته‌های اساسی شان ، تشکیل
شورای منتخب کارگران بوده ، طبیعتا
با مخالفت کارفرمای کارخانه ، محمد
لاهیجانی ، روبرو شده ، وی در ایمن
راه از طرف کمیته ۱۳ پشتیبانی کرده
دید تا جاییکه ۴ نفر با سدار از طرف
کمیته ۱۳ در کارخانه مستقر شدند .
(تا گفته نگذاریم که محمد لاهیجانی
۴۸۰۰۰ تومان در عرض ۴ ماه به این
پس امداران حقوق پرداخت کرد) و با
توطئه کارفرما و همکاری کمیته ۱۳ ،
۵ نفر از کارگران مبارزه‌ستگیر و سه
زندانی اوین منتقل گردیدند . (۲۲ مهر
۱۳۵۸)

ولی کارگران مبارزان سیاسی
نمی‌نشینند و با همکاری کارگران
کارخانه‌های دیگر و شورای متحد شده
خانواده‌های کارگران زندانی به
مبارزه خود ادامه میدهند . در ایمن
دوره کارگران خواسته‌های زیر را تد -
وین میکنند :

- ۱ - آزادی کارگران
زندانی و به سراسر آمدن آنها بدون
قید و شرط (کارگران زندانی قبیل
! دستگیری اخراج شده بودند ، و قبیل
از آن خواست کارگران فقط بازگشت
آنها به سراسر بود)
- ۲ - بیرون رفتن کمیته
۱۳ از کارخانه .

۱۵ آبان با حضور آقای شریفیان در مورد وجود شورا تشکیل شد، فقط ۱۰ نفر از ۷۰ نفر کارگر حاضر شدند. شورا تشکیل شد، در مورد چگونگی پیشبرد تولید سه پیشنهاد مطرح گشت که عبارت بودند از: ۱- با زکشت کارفرما سه کارخانه، ۲- شورا با نظارت کمیته مرکزی کارخانه اداره کنند و ۳- مدیر عامل دولتی به کارخانه بیاید. در نظرخواهی از کارگران در حضور شریفیان با زهم فقط یک اقلیت ۱۰ نفری با با زکشت کارفرما موافق بودند (که اینها عموماً کارگران نا آگاه هستند) و اکثریت قاطع با پیشنهادهای دوم و سوم موافقت کردند.

کارگران با قاطعیت مصمم به پیشبرد کار افزایش تولید هستند و این کارفرما و عوامل وی هستند که در تولید اخلال میکنند. مثلاً در بخش قرقه پیچ، که شخص منحنی که خود را شیاسی "هم" میداند کار میکند، تولید روزانه به ۷ تا ۸ هزار عدد کاهش پیدا کرده که با کوشش کارگران آگاه به ۱۴۰۰۰ عدد افزایش یافت. همین شخص منحنی در طی یک جلسه اظهار داشت که بقیه در صفحه ۸

روی سخن ... کارگران رسمی شرکت نفت داده میشود هیچکدام به کارگران پیمانگی تعلق نمیکند. در نظر گرفتن اینکه هر کاری را که کارگران رسمی انجام میدهند کارگران پیمانگی همان کار را میکنند. خوشبختانه کارگران آگاه و مبارزان رسمی صنعت نفت همیشه از خواست به حق ما پشتیبانی کرده و امیدواریم که با بر کارگران رسمی حمایت و همبستگی کارگری خود را با کارگران پیمانگی اعلام کنند. در رابطه با این مشکلات بود که کارگران پیمانگی نمایندگان انتخاب کرده تا خواسته های خود را با آنها در میان گذاشته و بخاطر بدست آوردن حقوق خود دفاعیه مبارزه کنند. کارگران پیمانگی با رهساز طریق نمایندگان خود خواسته هایشان را جدا از طریق نامه و چهره از طریق اعلامیه مطرح کردند. تاریخ ۵۸/۲/۲۹ کارگران پیمانگی طی یک اعلامیه ۳ صفحه ای خواسته های خود را که در حقیقت همانا رسمی شدن بود در ۱۰ ماده شکافته و در اختیار مقامات مسئول قرار دادند و در جواب، آنها فقط از کارگران صبر انقلابی و کار بیشتری را خواستند. کارگران پیمانگی که دیگر تحمل این همه ظلم و ستم را نداشتند در تاریخ ۱۹ خرداد ۵۸ دست به اعتصاب زدند. در مدت اعتصاب کارگران پیمانگی عنایتاً در روزهای سه شنبه و پنجشنبه و اختلاف در صفوف کارگران میزدند ولی کارگران پیمانگی هوشیار بودند چونکه این گونه مسائل برایشان افتادگی شده بود. در اوایل اعتصاب مقامات مسئول توجه به خواسته های کارگران پیمانگی نمیکردند. ولی هر روز که میگذشت کارگران نیز قناری بیشتری وارد میساختند. مثلاً یک روز کارگران پیمانگی دفتر مرکزی پالایشگاه (جنرال افیس) را اشغال کرده و مانع رفت و آمد کارکنان شدند. مقامات وقتیکه پی بردند که کارگران هنوز مصممند که ضربه مذاکره با نمایندگان کارگران شدند. هیئتهای زیادی از تهران و خوزستان به آبادان آمدند چون با مساله رسمی شدن کارگران مواجه شدند به نماینده کارگران جواب منفی دادند. و اما در میان نمایندگان کارگران پیمانگی نمایندگان سازشکاری نیز وجود داشتند. مثلاً ۶ نفر از نمایندگان سازشکار اعتصاب را به سازش گذاشته و با مقامات بدو بست برقرار کرده بودند. یکی از اعمال این نمایندگان سازشکار امضا کردن قرارداد زد کارگری در تاریخ ۲۵ خرداد در تعطیلی میباشند کارگران هنگام اطلاع چنین قرارداد و تاشیدن از طرف نمایندگان سازشکار به طرف دفتر مرکزی هجوم برده و اعتراض شدیدی ابراز داشتند. کارگران پیمانگی در طی اعتصاب نیز یک اعلامیه دیگر صادر کرده و مساله "زیر پوش رسمی شدن کارگران پیمانگی" را پیش کشیدند. زیر پوش برای افرادی که خدمت نرفتند و رسمی برای افراد و اجده شرایط که خدمت نرفتند. اندولی مقامات بالای این دو موضوع بطور خیلی جدی مخالفت میورزیدند. بالاخره در طی آخرین نشستی که در روابط عمومی صنعت نفت انجام پذیرفته بود شورا تق شد که به کارگران یک سری مزایا داده شود از قرارهای ۱۰۰۰ تومان گزایه خانه برای مجردها و ۱۲۰۰ تومان برای افراد متأهل و ۲۵۰۰ تومان جیره غذایی ولی بعد از مدتی این خا شنین به طبقه کارگر زیر حرفشان زده و گفتند که ما این توافقنا مدارا قبول نداریم. راستی چنین مسئولین که زیرا مضای خود را زده و گفته های خود را تکذیب کرده اند انقلابی هستند و ما کارگران ضد انقلابی هستیم؟! راستی اینان که دم از مستضعفین میزنند و در عمل سرایشان نیروهای ویژه و قوانین زد کارگری از قبیل ماده ۹ شورای انقلاب تصویب میکنند و حقوق خلقهای ستم دیده ما را با یعام میکنند انقلابیند و ما کارگران زحمت کش ضد انقلاب؟! پس کارگران چگونه از چهره های میتوانند به خواسته های سر حقتان برسند؟ ما توجه تحریکات و مبارزات کارگران و همچنین مبارزات گذشته خودمان میتوانیم نتیجه بگیریم که فقط از طریق اتحاد و یکپارچگی در مبارزات و اعتصابات خود جمع شدن در تشکیلات واقعی کارگران است که میتوان به خواسته های خود رسید. ما نظوریکه سرمایه داران برای مکیدن هر چه بیشتر خون کارگران و زحمتکشان متحد میشوند کارگران نیز باید علیه آنها متحد شده و آنان را نابود کنند.

کارگر پیمانگی رسمی باید گردد!
 سندیگای واقعی ایجاد باید گردد!
 شوراهای سر راستی! ما باید گردد!

از مبارزات ... بدین خاطر است که کارگران ریمینکوا امروز خوب متوجه شده اند که با پد خودشان آستین بالا بزنند و دیگر چشم میدبه این آقایان! ندو- زد آنها پی برده اند که با بدنه نیروی خود، به نیروی طبقاتی خود متکی باشند و با بدروی باهای قدرتمند خود که از اتحاد کارگريشان که به استواری کوه است، بایستند.

پس کارگران ریمینکویه اعتصاب خود مصممانه ادامه میدهند. تا رسیدن به پیروزی قطعی. دسیسه های کارفرما به شکل و با کمک همسایه عوامل فدکا رگرمیتوانند تصمیم کارگران خلی و اردما زد.

ولی آیا کارگران ریمینکودر این مبارزه تنها هستند؟ نه، مسلمانان! طبقه کارگریک تن و واحد است. کارگران در هر گوشه و هر تعداد که باشند، و کارشان هر چه که باشد، کارگرند و دشمنشان یکی است: سرمایه دار و رژیم سرمایه داری!

به همین دلیل است که کارگران، همه کارگران در این مبارزه بر ضد دشمن طبقاتی و واحد خود یعنی بر ضد طبقه سرمایه دار و رژیم خامی آنان با یک بصورت طبقه ای متحد و متشکل وارد مبارزه کردند.

پس مبارزات کارگران ریمینکوا با تمام قدرت حمایت کنیم. دست اتحاد کارگريمان را به آنها ندهیم و پشتیبانی خود را از مبارزات بر- حق آنها اعلام و اظهار کنیم.

کارگران مبارز آبادان، کارگران تهران و خوزستان، کارگران سراسر ایران!

سرای رسیدن به خواسته های سر حق کارگران ریمینکوا، برای نشان دادن دست متحد و قدرتمند طبقه کارگری که از فرمان زورگویی ریمینکوا، که همانند همه کارفرمایان ایران و جهان زورگویی و خوار است، به مبارزات آنها پیوسته و با افتخار و حمایت خود بدان برای رسایم مبارزاتی را با تمام قدرت و وحدت و تشکیلات است

تخصن نارآموزان

دست به مبارزه زدند. مریبان این مراکز نیز در حدود ۲ ماه قبل دست به یک تحصن ۱۵ روزه برای تصفیه افراد فاسد و وابسته به رژیم منحل گذشته زدند که با وعده و وعید مقامات وزارت کار بپایان رسید. اما روز ۱۴ آبان، که مشو- لین وزارت کار ۲ تن از نمایندگان کارآموزان را از وزارت کار اخراج کردند، صبر کارآموزان لبریز شده و کارآموزان مراکز پیش یا دشته دسته جمعی و متفقا در محل وزارت کار به منظور تحقق قطعی خواسته‌ها پشان دست به تحصن زدند.

در طول مبارزه کارشکنی‌های زیادی از طرف مسئولین وزارت کار صورت گرفت. شخصی بنام ابراهیمی که خود را "مشارووزیر کار" معرفی می‌کرد (که بعدا معلوم شد مسئول صدور دفترچه بیمه است) به میان کارآموزان آمد و اظهار داشت که مفا قطعنا- مه کارآموزان را (که چندی قبل

آقای سازرگان

سوختنه آمریکا، راه پرفروغ انقلاب را با زیباقتند. و آقای سازرگان و همه بورژوا لیبرالها از اینکه "زحمت" شبا نه روزی ۹ ماهه شان در حال هدر رفتن است سخت میوزند. آنها میوزند، خودخوری میکنند، به انقلابیون بدویبراه میگویند، و در مددهستند که دوباره انقلاب را منحرف کنند. ولی تا زمانیکه توده مردم به حرکت انقلابی خود ادامه میدهند، تا زمانیکه نیروهای انقلابی جامعه مجدانه بکوشند تا این حرکت را آگاهانه کرده و به آن قاطعیت و آگاهی عمیق ببخشند، تا زمانیکه نیروهای انقلابی با درایت و سیاستی اصولی در پی اتحاد مستحکم و انقلابی همسه اقشار و طبقات خلقی باشند، این تشبثات بورژوا لیبرالها و آقاسای سازرگان مثرثمر نخواهد افتاد، و آنها باز هم میوزند.

ما در شده بود) اجرا کرده اند! که بسا افشاء گری نمایندگان کارآموزان دستش رو شد. کارآموزان اظهار داشتند که ما خواهان تصفیه افراد ذاعوتی و گماردن افراد صالح در مراکز هستیم و ابراهیمی در جواب گفت: "ما می- ترسیم هیچ نفر آدم صالح نتوانیم در وزارتخانه پیدا کنیم." که ما خشنه تمسخر آمیز و بجای کارآموزان روبرو شد و شکست خورده از جمع بیرون رفت. یکی از کسانی که کارآموزان خواهان برکناریش بودند، شخصی بود بنام فلاح معاون وزارت کار. کارآموزان در روز دوم تحصن خود تصمیم گرفتند که برای رودررویی مستقیم با این شخص به طبقه دهم (محل کارش) بروند. ابتدا عده ای ربا- سداران از رفتن کارآموزان به طبقه دهم جلوگیری میکردند که با توضیح نمایندگان، پاسداران راه را باز کرده و آنها به طبقه دهم رسیدند. در آنجا اظهار شد که فلاح در اطاق کارش نیست. عده ای از کارمندان جمع شدند، و ابراهیمی و چند نفر دیگر قصد تحریک کارمندان را بر علیه کارآموزان داشتند که با بردباری و توضیحات روشنکارانه نمایندگان و کارآموزان این توطئه نیز خنثی شد.

روز بعد کارآموزان با لآخره فلاح را گیر انداختند. او که وضع را وخیم دید اظهار داشت که استعفاء کرده است. کارآموزان قانع نشدند و خوا- ستار سندا استعفاء او شدند. شخصی بنام پارسا از طرف وزیر کار به جمع کارآموزان آمد و استعفاء نامه های فلاح و دانایی (از مرکز آموزشی کرج) که به تاخیر دید وزیر کار هم رسیده بودند نشان داد و اظهار داشت که روسای کلیه مراکز نیز استعفا داده اند و کارآموزان هم مرکز میوزند ۳ نفر مربی را به وزارت کار معرفی کنند که از میان آنها یک نفر انتخاب شود. خواست کارآموزان ایجاد شورایی مرکب از نمایندگان مریبان و کسار آموزان برای اداره هر مرکز میباید.

روز پنجم شب آیت الله خا- منهای به وزارت کار آمده و برای کارآموزان صحبت میکند و در ضمن

سخنانش اظهار میدارد که " دولت جنایتکار بوده" (مشخص نمیکند که یعنی چه) و ما (" شورای انقلاب") به کار شما رسیدگی میکنیم. (دولت سازگان در همان موقع سقوط کرده بود) پس از خاتمه ای آیت الله شهاب از کمیته مرکز و گودرزی از سوی نخست وزیر آمدند و گفتند که در رابطه با تغییراتی که در دولت بوجود آمده ما قول رسیدگی میدهم. ولی چون امروز پنجم شب است، باید روز شنبه با شما ملاقات کنیم و برای طمسه روز شنبه نیز وقت تعیین کردند.

کارآموزان با این تحولات و قول و قرارها تحصن خود را شکستند. روز شنبه نمایندگان کارآموزان به کمیته مرکزی رفتند. از آنها خواستند که اسامی خود را بدهند و کارآموزان امضا بگیرند که نماینده شان هستند. روز بعد که همه این شروط انجام شد، در حین مذاکرات، آیت الله مهدوی کنی ظاهر را به دکتر شهاب تلفن میزند که مذاکرات را قطع کنید چون اینها از راه تحصن دارند به خواسته‌ها پشان میرسند را اگر چنین شده کارگران در همه جا دست به تحصن خواهند زد. و بدین ترتیب کارآموزان مراکز حرفه ای به خواسته‌های خود هنوز نرسیده اند.

مسلماست که همه شون جامعه میبایستی از وجود عناصر صریح و پنهان پاک شده و این خواست به حقی است که از طرف کارآموزان مطرح شده است. بخصوص در شرایطی که مردم ما دست به مبارزه ضد امپریالیستی زده اند، این عمال کثیف بمشابه ستون پنجم دشمن عمل خواهند کرد. نمایندگان دولت و " شورای انقلاب" با خرابی کاری در امر مبارزه کارآموزان یک با ردیگر نشان دادند که حال و خیال مبارزه جدی با ارتجاع و امپریا- لیسم را ندارند و فقط حرف میزنند. کارآموزان با بدبر خواسته‌های به حق خود، در متن و بیون آنها با مبارزه ضد امپریالیستی، با فشاری کنند و تا آنجا که توان دارند خود به پاکسازی محیط کار خود و احقاق خواسته‌ها پشان مبارزت و رزند. بهمان گونه که کارآموزان کرج ۳ تن از عناصر وابسته به رژیم منحل را اخراج کردند. **باید**

به نیروی خود تکیه داشت!

ادامه مبارزه...

کارگران فقط میتوانند ۴۰۰۰۰۰ قره در روز تولید کنند پس باید کارفرما بپردازد. که کارگران آگاه با مدارک و اسناد نشان دادند که میتوانند بین ۷۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰۰ قره در روز تولید کنند و هم اکنون ۶۵۰۰۰۰ قره تولید میکنند.

کارفرما و عوامل آن برای خرابکاری، ترتیبی داده اند که در بازار محصولات کارخانه نخ زری- را نخرند. قبلا کارفرما محصولات را از قرا قراضی ۴۵/۸۵ تومان به عمویش میفروخت، در حالیکه قیمت بازار قراضی ۱۴۹ تومان است و با پش- ترتیب کارفرما و عمویش ۳۵ ریال با زا هرقراضی به جیب میزدند و دلالت بازی میکردند، و کارگران آگاه اظهار میداشتند که با قطع دست کارفرما، کارخانه سودآورتر میشود. ولی کارشکنی‌های کارفرما برای فشار گذاشتن به شورا و با مطلاع شکست آن ادامه دارد. و متاسفانه کمیته مرکز و نمایندگان ش هم بدام این توطئه ارتجاع افتاده اند.

ولی کارگران مبارز تا کنون از پهای نشسته اند و تا کنون مقداری از محصولات را بفروش رسانده اند. بسیاری از کارگران آگاه به عمیق هدف واقعی این مبارزه پی برده اند حتی حاضرند روزانه ۱۲ ساعت کار کنند و ۸ ساعت مزد بگیرند تا دست کارفرمای مزدور و سودجو را از کارخانه کوتاه کنند.

این مبارزه نشا ندهنده است که واقعا چه کسی در پی بالابردن سطح تولید ملی و بی نیاز کردن ایران از کالاهای امپریالیستی است، واقعا چه کسی در امر تولید خرابکاری میکند. کارگران آگاه و مبارز کارخانه نخ زری با کوشش و مبارزه خود مطمئنا نه تنها حق خود را از سر ما به دارندون صفت میگیرند، بلکه با این حرکت خود نشان میدهند که فقط این کارگران و زحمتکشان هستند که واقعا در پی بی نیاز کردن ایران از کالاهای امپریا- لیستی اند، و می توانند خود کف سازی اقتصادی ایران را تامین کنند. مسئولین امر بهتر است بجای کارشکنی در راه مبارزه کارگران نخ زری و کارگران کارخانه‌های دیگر، بجای صدور اعلامیه و فرمان بر علیه کارگران و زحمتکشان، اگر واقعا صد اقتی دارند دست کارفرمایان و سرما یه داران خرابکار و مزدور را از سر منایع و واحد- های تولیدی کوتاه کنند.



در تکثیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید

حقیقت

شماره ۱۴۰ از آذر ماه

سخن دیگری ...

۱ - روش برخورد و تحلیل های "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" از این جمله است، رفقای پیکار پس از ده روز زیر خورد های کفش و قوس دارانحرافی در شماره ۳۰ ارگان سازمان در مقاله ای زیر عنوان "اوج گیری مبارزات ضد امپریالیسم لیستی توده ها و استعفای بازرگان" به تحلیل از این موج ضد امپریالیستی واقعات "دانشجویان پیرو خط امام" زده و آشفته فکری غالب بر خود را با زهم بیرون داده اند، رفقای پیکار پس از آنکه مینویسد "جناح روحانیت حاکم و شورای انقلاب ... منافع ملموس و مستقیمی در حفظ سلطه امپریالیسم آمریکا در ایران نداشت" و این جناح با امپریالیسم دارای "جوش خوردگی مستقیم و کامله" نبوده و نیست، "دودیدگاه انحرافی" را به نقد میکشند، "برطبق یک دیدگاه که برخوردی مطلق بینا نه و مکار نیکی یا قضا یا دارم همه این سیاست ها و کوشش و قوس های هیات حاکمه ناشی از یک سیاست امپریالیستی است "و" ایسن دیدگاه میان نقطه نظرات و سیاستهای مختلف هیات حاکمه ... تفاوت چندانی قائل نمی شود و چون همه جریان های درونی قدرتهای حاکم را مستقیما به سیاستهای امپریالیستی وصل می کند، طبیعتا از درک پیچیدگیها و نتایج همگونیهای حرکت هیات حاکمه و جناح های مختلف آن عاجز و ناتوان می ماند" (پیکار ۳۰، صفحه ۱۷). در اینجا اشارات و رفقای یکی از رایج ترین انحرافات موجود در جنبش کمونیستی ما است که به بدترین حالتش در همین منابع مربوط به اشغال جاسوسخانه پیشین "حقیقت" بدان اشاره نمودیم. اما رفقای پیکار در ادامه به تحلیلها یگان نشان میدهند که نقطه نظرات خودشان تفاوت چندانی با این دیدگاه انحرافی ندارد، رفقای سوسیست "دیدگاه انحرافی دیگری با ناثل شدن تضاد ماهوی و اساسی میان سیاست و خط مسی بخشهای متفلسف و رژیم (خرده بورژوازی مرفه سوسیستی بورژوازی) و تکیه سیاسی بر اختلافات آنان، بیوند اساسی میان این دو بخش را منکر میگردد، برطبق ایسن

نقطه نظر کوشی بخشهای از هیات حاکمه میتوانند عملکردی انقلابی جدا از مقتضیات نظام سرمایه داری وابسته و جدا از مجموعه حرکت هیات حاکمه در این نظام مکتوبون هیچ تری دینی ضد خلقی و نهایتا در جهت منافع امپریالیسم است داشته باشد. ایسن گونه برخورد با قضا یا در عمل چیزی نیست جز افتادن بدو متهومات خرده بورژوازی (پیکار، همانجا) و نتیجه میگیرند: "نقطه نظری که در حرکت خدای آمریکا هیات حاکمه توطئه های پشت پرده امپریالیسم می بینند (تنها بصری آینه که نظام سرمایه داری وابسته است و همه حرکات رژیم ناشی از سیاست امپریالیست است!) در حقیقت به جنبش مبارزاتی توده ها که چنین عقب نشینی را به جناحیهای از هیات حاکمه تحمیل کرده و آنها را مجبور ساخت که در انطباق با موج ضد امپریالیستی توده ها به پیش روند. البته نه از یک موضع انقلابی، بلکه کاملا در جهت تثبیت خویش - کمپنها میدهند. دیدگاه دیگری که این حرکت را از موضع ضد امپریالیستی و یا کم و بیش انقلابی بخشهای از رژیم تصور می نماید نوعی دیگر این حرکات را جدا از مجموعه حرکت کلی سیستم سرمایه داری وابسته در نظر میگیرد. پیکار آشکارا دچار تناقضی گوئی شده است، ما بالاخره نفهمیدیم که اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا و حمایت جناحی از محافل حاکم و شخص آیت الله خمینی از ایسن حرکت، اقدامی "ضد امپریالیستی" و "کم و بیش انقلابی" هست یا نه و موضع پیکار در این باره چیست؟ آیا باید از این اقدام حمایت کرده و با آن همراهی نشان داد و آیا چنین کاری ما را در جرگه انحرافیون "دیدگاه دوم" قرار میدهد یا نه؟ پیکار می کوشد تا تناقض آشکار میان تحلیل هایش را با آنچه بعنوان واقعیت در جامعه ما جریان دارد برده پوشی کند. از یک سو میگوید که این نظام بدون هیچ تردیدی ضد خلقی و نهایتا در جهت منافع امپریالیسم است و هیچ بخشی از هیات حاکمه نمیتوانند عمل کردی جدا از مقتضیات نظام سرمایه داری وابسته و جدا از مجموعه حرکت هیات حاکمه در این نظام داشته باشند و از سوی دیگر به کسانی که بر مبنای همین استدلال بداین موضع رسیده اند که اشغال جاسوسخانه آمریکا در خدمت منافع امپریالیسم بوده است خرده میگیرند که برخوردی "مطلق - بینا نه و مکار نیکی یا قضا یا دارد." شما خود برای این عقیده آید که اقدامات

این جناحها "کاملا در جهت تثبیت خویش" و "زیر فشار توده ها" نبوده است و باز به آن "دیدگاه اول" انتقاد میکنید؟ رفقای کارکنان گدارید! شما میگوئید نظام حاکم سرمایه داری وابسته امپریالیسم است و هیات حاکمه (کلیه جناحها) بیانگر منافع این نظام وابسته هستند و حرکتشان خارج از "مقتضیات" این نظام نیست، "مقتضیات" این نظام چیست؟ وابستگی به امپریالیسم، تثبیت این نظام یعنی چه؟ یعنی تثبیت وابستگی به امپریالیسم، در نتیجه وقتی جناحی یا همه جناحها برای تثبیت خود دست به کاری میزنند، در واقع برای تثبیت سلطه امپریالیسم چنین کرده اند، اقدامات مربوط به اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا به زعم شما "کاملا برای تثبیت" این هیات حاکمه (بخوانید تثبیت نظام سرمایه داری وابسته و ایضا سلطه امپریالیسم) بوده است، در نتیجه نباید جای هیچگونه حمایتی را داشته باشد، فرق نظرات خود شما با آن "دیدگاه اول" (اگر فرقی باشد) صرفا در اینست که آنان از ایسن استنتاجات پاک نادرست بسان نتیجه رسیده اند که اشغال جاسوسخانه آمریکا مستقیما در خدمت امپریالیسم است و شما آنرا غیر مستقیم و غیر "ملموس" در خدمت امپریالیسم می دانید، مستقیما غیر مستقیم، ملموس یا غیر ملموس، هر دو در مفهوم و ماهیت یکی هستند. یک فیلسوف آیده آلیست اروپائی میگفت "واقعیات با تحلیل های من در تضاد هستند، پس وای به حال واقعیات!!" پیکاریها میگویند، حقایق با تحلیل های ما در تضاد اند، پس هم تحلیل های ما هم را حفظ میکنیم و هم یک جوری خودمان را با حقایق وفق میدهیم، اما جیسین کاری شدنی نیست، از تحلیل های پیکاریک استنتاج عملی بیشتسر نمیتوان کرد و آنهم همان استنتاجی است که "دیدگاه اول" کرده است. پیکار از یک سو تحلیل های مطابق با استنتاج عملی "دیدگاه اول" می دهد و از سوی دیگر با یک جنبش گسترده ضد امپریالیستی و اقدامات ضد امپریالیستی جناح های از هیات حاکمه روبروست و در نتیجه میگوید تا به نحوی شکاف میان واقعیات مبارزه طبقاتی و حرکت خرده بورژوازی و تضادهای واقعی این قشر امپریالیسم را از یک سو و تحلیل های که این جریان را ارتقا می و وابسته بد امپریالیسم می شمارند پیکار، لکن چنین کاری مگر با آشفته گوئی ممکن

نیست و پیکار نیز جزا این نکرده است. ۲ - مبارزه گسترده ضد امپریالیستی که بویژه پس از اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا بالا گرفته است، برای جنبش کمونیستی ما حاوی درس های ارزنده است، این مبارزات قبل از هر چیزی با دور میسازد که جنبش کمونیستی ما با بد در تحلیل ها و ارزیابی ها پیش از تضادهای اساسی جامعه و نقش طبقات گوناگون اجتماعی در برابر این تضادها تجدید نظر بنیادی نماید. یک بار جنبش گسترده دهقانی چنین یادآوری های را نمود و امروز نیز این جنبش بزرگ ضد امپریالیستی چنین میکند، جنبش گسترده دهقانی قبل و بویژه بعد از قیام بهمین ما دهک سرتا سرتا سرتا و بویژه مناطقی چون ترکمن محراب، مازندران، فارس، کردستان و آذربایجان را در بر گرفت آشکارا حکایت از یک تضاد واقعی و عمیق در عرصه روستاهای ایران می نمود. تضاد میان دهقانان بی زمین و کم زمین (اکثریت دهقانان ایران) بسان نظام نیمه فئودالی و مالکیت ارضی بزرگ، این مبارزات با خواست اساسی زمین با لاکرقت و دهقانان در مناطق مختلف اقدام به تاسیس شورا های دهقانی و مبارزه و تقسیم اراضی مالکان بزرگ و ملاک سلطنتی نمودند. این مبارزات به جنبش کمونیستی ما یاد آور شد که در عرصه جاسوسخانه ما تضادی جدا از تحلیل های این مبارزه گروه وجود دارد که حکایت از سلطه روابط نیمه فئودالی و ما قبل سرمایه داری در روستاهای ایران میکند. لکن جنبش کمونیستی ما از این یاد آور بخود نیا مدو کماکان اکثریت گروه ها و سازمانها بر تری "سرمایه داری وابسته" و نفی اصلت این جنبش و خواسته های آن برداشتند و کماکان نیز میپردازند. جنبش گسترده ضد امپریالیستی کنونی نیز بی نوعی (وابسته از اویهای دیگر) بر همین واقعیات و نادرستی تحلیل های اکثریت گروه ها و محافل جنبش کمونیستی ما تا کید میگذارد. توده خرده بورژوا و همچنین محافل سوسیالیست حاکمه که با خواسته های ایسن توده در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی همراهی نشان میدهند، قدم میسازند مبارزه ای نهادند که در عمل ابعا دی به مراتب گسترده تر از "استرداد شاه" بخود گرفته است. این خرده بورژوازی در تری "سرمایه داری وابسته" جایگاهی در کنار ارتجاع دارد و در حل تضادهای اساسی جامعه تنها بحساب بقیه در صحنه

سخنی دیگر...
می آید، بلکه با لقه و در برابر طبقه کارگر گذارده میشود. تز "سرما به داری وابسته" از توضیح حرکت واقعی این نیرو و همچنین بورژوازی ملی عاجز است، تضادهای واقعی اینان را بسیار مهرباناً لیسمنندیده میگیرد و در نتیجه هر حرکت این نیروها را "توطئه" مینامد مهرباناً لیسمن "ویا فریب خلقی" قلمداد میکند.

جامعه ما علمبرغم تحلیل های این یا آن گروه با یکسری تضادهای واقعی روبروست و تکامل جامعه و مبارزه طبقاتی نیز از مسیر حل این تضادها میگذرد و اوضاع روایات گوناگون خلقی به درجات مختلف با این تضادها روبرو هستند. تضادهای اساسی جامعه ما مهرباناً لیسمن و ارتجاع داخلی میباشند. مهرباناً لیسمن که نقش واضح و روشن است و اساساً از طریق ارتجاع داخلی وابسته به مهرباناً لیسمن عمل می نماید. اما ارتجاع داخلی، یعنی رکن اصلی اعمال سلطه مهرباناً لیسمن، چطور؟ این ارتجاع نمایندگان منافع فئودال ها و ملاکان بسزرگ دردهات و سرما به داری وابسته و سرما به داری بوروکراتیک میباشند. این نیروها اهرم های اعمال سلطه مهرباناً لیسمن و ستون حفظ نظام حاکم میباشند. تا قبل از سرنگونی دربار پهلوی، این دربار مرکز قدرت سیاسی حاکم و سرکرده و نماینده ایمن نیروهای ارتجاعی بود. پس از سرنگونی دربار پهلوی، گرچه ایمن نظام ضربه ای سخت خورد، لکن نابود نشد. انقلاب دموکراتیک و ضد مهرباناً لیسمنی حاضر در زمینه دشمن خارجی ستوجه مهرباناً لیسمن و بویژه مهرباناً لیسمن آمریکا و در زمینه دشمن داخلی متوجه بقای ارتجاع داخلی و نظام این طبقات ارتجاعی میباشند. کلیه آن نیروها شیکه در سرنگونی دربار پهلوی سهم بودند و منافعی مشترک داشتند، گمکان (و البته به درجات مختلف) در برابر این تضادها قرار دارند. انقلاب ما انقلابی نیست اما است. این بدین معناست که تضادهای یا دشمنه و زحل نشده اند و جای خود را به تضادهای جدید (مانند تضاد کار و سرما به داری) نسپردند. ادامه انقلاب، یعنی ادامه مبارزه برای

حل تضادهای اساسی و حل نشده جا مسه و رهبری طبقه کارگر یعنی قرار گرفتن این طبقه در رأس مبارزه برای حل تضادهای یاد شده. تنها از این طریق و از این مسیر است که طبقه کارگر می تواند رهبری خود را بر سایر طبقات خلقی تا مین کرده و انقلاب را به سرانجام رساند و جامعه را برای حصول سوسیالیستی آماده سازد. ما در شماره پیشین "حقیقت" به نقش بورژوازی ملی و خرده بورژوازی در این زمینه ها اشاره کردیم و از بررسی مجدد آن میگذریم. تز "سرما به داری وابسته" قادر به بررسی تضادهای اساسی و واقعی جامعه نیست و کوشش خود را صرف تحلیل از تضادهای مینما به یک مرحله کنونی عمده نموده و در نتیجه اشتراکی است و کار را به انحرافات "چپ" می رساند. مبلغین این تز قزاق در نمیستند طبقه کارگر را برای رها نشی دهقانان بسیج نمایند، زیرا اساساً در این تز دهقانان و مبارزه دهقان نیچائی ندارد! مبلغین این تز قزاق در نمیستند طبقه کارگر را برای رها نشی اقلشار خرده بورژوازی از زیر سلطه مهرباناً لیسمن و روابط ماقبل سرما به داری بسیج کنند و طبقه کارگر را با تکیه بر منافع مشترک مبارزه در رأس مبارزه این خرده بورژوازی قرار دهند زیرا قزاق در نمیستند در حل تضاد آنها نقشی ندارد! مبلغین این تز قزاق در نمیستند در صفوف بورژوازی ملی شکار فاندانده و از پتانسیل مبارزاتی ایمن طبقه (هر چند نا چیز و صدام البته تسواوم مملو از تزلزل و سازش جوئی) استفاده برند. مبلغین این تز در انتظار تحولی هستند که در مرحله کنونی انقلاب هیچگاه صورت نخواهد پذیرفت. آنان در انتظار یک "اعتلای انقلابی" بر علیه خرده بورژوازی و بورژوازی ملی اند و این "اعتلا" را نیز در حل تضاد کار و سرما به داری جستجو میکنند، حال آنکه اعتلای انقلابی نیز رابطه بسیار تضادهای اساسی جامعه خواهد بود و این تضاد نیز از خرده بورژوازی و بورژوازی ملی نیست. از این رو است که آنان در زمان اعتلای انقلابی توده مردم که امروز بر علیه مهرباناً لیسمن آمریکا برخاسته، متعجب و متحیر می مانند و چاره ای ندارند مگر آنکه آنرا "توطئه" و "مثالهم بنما مند" مبلغین تز "سرما به داری وابسته" گرچه در حرف به "چپ" میزنند، لکن در عمل جز پیروی از یکسری راست روانه و اگونومیستی چاره ای ندارند و سوسیالیست آنها نتیجه ای مگر انفراد خودشان و اگر توانستند انفراد طبقه کارگر و در نتیجه پادان

هر که با هم...
انتخابات خواسته های خود را اعلام داشته اند که ما عیناً درج میکنیم:

۱- افزایش استخدام نیروهای سازمان های مبارزاتی و ستاد و ستان این سازمانها و همچنین نظر شده...
۲- افزایش وضع کلیه دولت کارکنان استثنای دولت...
۳- منصفه کلیه دولتی و شرکتها و موسسات وابسته...
۴- مساعده کلیه داراییهای آمریکا در ایران امروز...
۵- شرکتها، موسسات دولتی و دولتی...
۶- تصفیه کلیه سپاه پاسداران ارتش محرم...
۷- رکن ۲ از عناصر آلوده و مفلوج ارتش پاسداران...
۸- باید تصفیه گردند...
۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۲۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۳۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۴۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۵۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۶۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۷۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۸۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۱- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۲- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۳- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۴- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۵- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۶- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۷- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۸- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۹۹- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...
۱۰۰- این همه کارهای نمایندگان آمریکا...

خواسته های بالابا پیدا نجایم
گیرند! ما را از "شورای انقلاب" و دولتیان نیا یدزیا دجشم امیدی باشد! انقلابیون و مردم خود را بدر راه تحقق خواسته های بالا تا آنجا که در توان دارند بگوشند. در صورت تعلل و عدم حرکت سریع و بی موقع نیروهای انقلابی و مبارزان ما به در دشمنی و اندوختی و... مبتلا خواهیم گشت و بقول باز - برمان وقفات مبارز "خیلی عجیب است که انان انقلابی با زهم تجربه را به خواهد تجربه کند و مشمول مصداق من - جرب العجب جلت به الندا مه گردد (هر که با زهم بخواد هدا شتاباها را تا تکرار کند پیشیما نی وشکست نوش جا نش با د)

چکما نی
این خلق و رهبر مذهبی و مبارزان این خلق زده اند و ما که و ما جزا ت کلیه گمانی که این کشتار روحیا نرا سا - زمان دادند و با حفظ همه مواضع گذشته. ایندوراها یکدیگر را زکار نیستند و گمانی که بخواد هنده رود را در پیش گیرند، فقط دورویی و فرمت طلبی خود را نشان داده اند. این چنین گمان بزرگترین اخلال گسران در مذاکرات صلح میباشند.

نیز مبارزه نمود، و لسی زمانیکه کسب این خواسته ها خارج از متن مبارزات دموکراتیک و ضد مهرباناً لیسمنی مردم مطرح شود (و حتی با پس فشاری برخی، در مقابل این مبارزات) آنوقت علمبرغم "چپ" نماینده بودنش، جز یک حرکت راست و یک دست اگونومیستی هیچ نیست. تا زمانیکه جنبش کمونیستی ما در تحلیل ها و ارزیابی های یک تجدید نظر اساسی ننماید، و تا زمانیکه به جدائی خود از مردم بسیار ندهد و به تضادها آنطوریکه واقعا هستند برخورد ننماید، نه تنها نخواهد توانست طبقه کارگر را بسیج و متشکل نماید و از این طریق رهبری طبقه کارگر را بر مجموعه مبارزات مردم تا مین سازد، بلکه در دنیا له روی از این مبارزات نیز عاجز خواهد ماند و به موقعیتی درخواهد غلطید که امروز در غلطیده و آنوقت هیچ جای تعجبی هم ندارد که مجله های فکا هی در وضع کاریکا توریکشند و او رده ست مرتجع کمیته مرکزی حزب توده بر علیه اش زبان درازی کند. سازمان ها و گروه های جنبش ما جا در دهه هر چه سریعتر به ایمن مسائل و علل ریشه ای بورژوازیمن انحرافات برخورد کرده و در پایان دادن به موقعیت ناسامان کنونی بگوشند.

قطعنامه کنفرانس همبستگی زنان

زنان ایران پیوسته همگام با برادران خود برچم مسازات حق طلبانه و آزادی خواهانه ملی را به دوش کشیده اند و علی رغم تمام محرومیت ها و محدودیت ها در این مبارزات گامی از برادران خود عقب نبوده اند. تاریخ خونین مبارزات خلق ایران و نمونه های بی شمار زنان رزمنده ای که در حکومت سیاه پهلوی در سیاه چال های قرون وسطای ایران جان باختند گواه ما است. قیام فداستبدادی و فدا میریالیستی اخیر و عده آزادی و برابری به زنان ایران میداد. صفوف بهم فشرده زنان زحمتکش ایران که از تمام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در رنج بودند در مقابل شاه خائن و تمام تهدیدها و حیلها و تمهیدات او مقاومت کرده و با ایثار خان های پاک و شریف خود و عزیزانشان قیام را به پیروزی رساندند. ملت ما روزهای بحرانی و دشواری را میگذراند، تا کسب استقلال واقعی و قطع کامل وابستگی از امپریالیسم جهانی نخواهد شد. کردگی آمریکا مبارزه دراز مدت، دشوار و پرگذشتی در پیش است. زنان ایران نیک آگایانند که امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی میکوشند خواست های برحق زنان ایران را در جهت تامین منافع خود به انحراف بکشانند. ما این حیلها شناخته شده و متحان شده را محکوم میکنیم و از پیش اعلام میداریم که از هر چه ما در برابر رزمه ما بر علیه تبعیضات و نابرابری ها جدا از مبارزات زحمتکشان ایران شناخته شده خود، لیکن تجار و تاجران و پنهانی را که خواه از طریق تصویب بالفوقالعاده و مصوبات گوناگون و خواه ادا مهر و شایسته تبعیض آمیز نسبت به زنان از هنگام پیروزی قیام در مورد زنان اعمال شده محکوم میسازیم و حق مبارزه برای کسب آزادی و برابری با مردان را برای خود محفوظ میداریم.

بدون حضور و وهیشتی گاه و شما یبندگی

مینما بدیده مفت نمی ارز و از زسوی دیگرمان را اجیبی را که قبلا کسان دیگری بر زبان آورده بودند تکرار کرده و چنین آنها را بیشتر ما نه ای را زیر لوای "نظر شخصی" ابراز می- دارد.

روشی که هیئت ها که در پیش گرفته است تنها ورشکستگی آنها را نشان میدهد. با لاف و مسائل از دو حالت خارج نیست. یا شیخ عزالدین حسینی "ساواکی" و "فاسد" است و یا نیست. اگر هست، آنوقت هیئت ها که میگویند بخود جا زه میدهند که بسا یک "ساواکی" و "فاسد" وارد مذاکره شود و اگر نیست (که نیست) آنوقت اینها چگونه بخود جا زه جسارت اینرا میدهند که به رهبر مذهبیه و مبارز خلق کردند چنین آنها را بیشتر مانه ای را بزنند.

هنوز صدای بلندگوهای تبلیغاتی حزب جمهوری اسلامی در گوش ما زنگ میزند: "فدالدین حسینی ساواکی اعدا میابد گردد". هنسوز، پوستهای تبلیغاتی این حزب در سرتا سر ایران به چشم میخورند.

هیئت ها که در برابر خوردبسه مذاکرات صلح در کردستان و پذیرش خواسته های به حق خلق کرد، دو راه بیشتر در پیش ندارند، یا پس گرفتن تمام آنها یا تمهیدات بهیترمانه ای که بقیه در صفحه ۱۰

هر که باز هم بخواهد اشتباهات را تکرار کند پشیمانی و شکست نوش جاننش باد!

با زیربمان وقفات سابق داد. قیام این شده بود که چگونه سروتسه سرای انقلاب در نا مه سرگشاده ای به انقلاب را همبیا و روند افتادن اسلحه "نیروهای انقلابی پیرو خط امام" بدست مردم را "مصیبتی بزرگ میداد" (اطلاعات سوم آذر ۱۳۵۸) بروی نکات نسنده سیاسی شدن ارتشیان مین - مهمی در مقطع کنونی مبارزه شد. پرست را گناهی بزرگ میداد نسنده، آیا امپریالیستی انگشت گذارده اند که املا میتوان نسنده در بی گم - شرو و در خور توجه و تعمق میباشند. اطلاعات ترمیق انقلاب و رفتن علفهای هرز ارزنده ای که در این نا مه سرگشاده از امپریالیسم و ارتجاع از خاک میهن طرف این مبارزین عرضه گردیده است، باشند؟ ایدا! قضا و بیا زپرسان نشان میدهند که چگونه در عرض ۹ ماه مبارزیدرستی اظهار میدارند که باید حکومت دولت موقت و "شورای انقلاب" عملا هیچگونه قدم مثبتی در راه ریشه - کن ساختن ارکان و منافذ نفوسود و خرابکاری امپریالیسم و ارتجاع بر - داشته نشده است.

در نا مه سرگشاده آمده است: "بسیار عجیب می نمود که همه ارکان نه ای قدرت منهای امام، بعد از انقلاب، آتش افروزان جهنم و بیتنام و مکره و لائوس و کا میوج و آدم خوار ریهایشان را بفر - موشی سپرده باشند و فارغ از جنایات آمریکا ثیان در ایران آنها را با کمال آراش در جاسوس خانه وسیع و پیشرفته شان هم چنان به فتنه گری و وسوسه راحت گذاشته باشند... بسیار رشک گفت انگیز است که توطئه ها و جنایات سیا و ساواک و موساد، سازمانهای جاسوسی آمریکا و شاه و اسراشیل، در ایران از خاک طسور مسئولین امور ورود و پیگیری قاطع و انقلابی از این سازمانهای جهنمی بعمل نیاید". آری بعقیده ما نیز بسیار رشک گفت انگیز است! و لسی

از بورژوا لیبرالها و ولایت فقیهیه ها که دولت موقت و "شورای انقلاب" را پر کرده اند چیزی نیز بیشتر از این انتظار نیا بدداشت. کسانیکه از قبیل ارقیام در پی رفع رجوع مسالمت آمیز مسائل بودند، کسانیکه پس از قیام و غصب قدرت بسیار "رغوفنا" شده بودند و از "انتقا مجوسی" مردم را بر حذر می - داشتند، چگونه میتوان نسنده به جنگ امپریالیسم و ارتجاع آنها را رو نند؟ کسانیکه تمام سعی و کوشششان پس از

چه کسانی در مذاکرات صلح اخلال میکنند

علیه نیروهای انقلابی میباشند و افکار عمومی را در این جهت آساده میسازد. لکن این تبلیغات مزورانه هیچیک قادر نیست مردم آگاه را فریب دهد و قاطع و رویدادهای پس از آغاز مذاکرات آشکارا نشان میدهند که چه کسانی در این مذاکرات اخلال می - نما یند.

آیت اله منتظری، امام جماعت تهران، در اولین نماز جمعه پس از آغاز مذاکرات صلح و آتش بس، بیشتر مانه به شیخ عزالدین حسینی و توهین و پرخاش کرده و رهبر مذهبیه و مبارز مردم کردستان را "ساواکی" مینامد. این آنها را بر چسب زنده، آنهم از زبان رئیس "مجلس خبرگان" و امام جمعه تهران و کسی که وظیفه "ارشاد" مردم را بعهده گرفته است، چه هدفی مگر اخلال در مذاکرات صلح دارد؟ از یک سو هیئت ها که پس از شکست "راه حل نظامی" مجبور به قبول این واقعیت شده است که شیخ عزالدین حسینی نما ینده مردم کردستان بوده و خواسته های به حق این خلق را بیان مینماید و مذاکرات

بلندگوهای تبلیغاتی هیئت ها که از زمانه مذاکرات صلح در کردستان آغاز شده اند مرتب از کسانیکه یاد میکنند که در مذاکرات "اخلال" کرده و خواهان ادامه جنگ و خونریزی اند. ارتش با اعلامیه های بلندبالا می بین افراد "شدیددا غظار" مینماید و سخنگوی هیئت "حسن نیت" نیز از آنها بنام "گروه - های کوچک چپ نما" و "آشوب گسرها" یاد میکند. هیئت ها که از این تبلیغات دروغین اهداف مختلفی را دنبال میکنند، از یک سو میخواهد خود را پاک و منزله جلوه دهد و اینطور او - نمود کند که اینها از همان روز اول خواهان جنگ نبوده اند و جنگ را این "گروه های چپ افراطی" به آنها تحمیل کرده اند و حالا نیز تمسک دارند صلح شود و از سوی دیگر میکوشند با این تبلیغات مسموم در میان نیروهای انقلابی کردستان شکانند و اخلال آنها را به "جنگ طلب" و "ملح طلب" تقسیم کنند و با لاف و هیئت ها که بسا این تبلیغات مزورانه در واقع دارد. زمینه را برای یورش آینده اش بر